

رئیس الوزرا - امروز که بنده تنها بدون کابینه آمدم محض اطاعت فرمایش آقای رئیس و نمایندگان محترم تقاعد اینمدمت هم بواسطه کسالت مزاجی بوده است که نتوانستم بکارها و امورات رسیدگی بکنم و البته باید در خاطر نمایندگان محترم باشد که بنده برای خدمت بمملکت و ملت تا بحال بهیچوجه قصوری نکردم و باجان و مال همه طور حاضر بودم و هستم حالا اگر کسالت مزاج یکقدری مانع از بعضی اقدامات بشود این دیگر راجع به تقصیرات شخصی نیست و از واردات آسمانی است والا بنده در هر حال خدمت گذاری مملکت و ملت هیچوقت قصوری نکرده ام و همیشه حاضر بوده ام و خواهم بود امیدوارم انشاءالله تعالی نمایندگان محترم هم برای انتظام و امنیت مملکت و آسایش اهالی همین طوری که وعده فرموده اند باین کابینه که حاضر است و روز سه شنبه معرفی خواهد شد در پیشرفت امور همه قسم همراهی را بنمایند تا اینکه برخلاف بعضی ترتیباتی که بعضی اشرار از اطراف فراهم آورده اند انشاءالله امنیت و آسایش کلی فراهم بیاید و اسباب آسودگی خاطر نمایندگان محترم باشد و همه قسم قوانین را که لازم است ایجاد و حاضر بکنند و هیئت وزراء هم که تشکیل میشوند در اجرای آن قوانین بهیچوجه خودداری نکنند ما هم در پرتو محبت ایشان (باندازه که از ما بر آید) کوتاهی نکنیم (عموماً تحسین کردند)

رئیس - خاطر مبارک آقایان هست آن روزی که آقای سردار اسعد مرخصی خواستند برای ۳ ماه مرخصی خواستند و بعلمت اینکه مجلس شورای ملی همیشه طالب سلامت و جوه محترم است لهذا رأی دادند و مرخصی سه ماهه ایشانرا تصویب نمودند ولی بنده همچو حس میکنم که آقایان نمایندگان با کمال تأسف از مفارقت ایشان موقع را مقتضی می بینند که آقای سردار اسعد که حالا موعده مرخصیشان منقضی شده است تشریف بیارند و مارا بیدار خودشان مسرور و مشغوف نمایند اینست که بنده تلگرافی از طرف مجلس نوشته ام اگر آقایان تصویب میکنند بعد از اینکه قرائت شد مغایره میشود .

(تلگراف مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)
آقای سردار اسعد چنانچه خاطر عالی مستحضر است همانوقت که مجلس مرخصی جنابعالی را تصویب نمود با کمال تأسف و فقط بملاحظه این بود که بمعالجه چشم پیردارند و الایمفارقت شخص محترم عالی هرگز راضی نمیشد اکنون که مدت مرخصی منقضی و امیدواریم بهبودی کامل حاصل شده باشد مجلس باتفاق ببنده مأموریت داده است از جنابعالی تقاضا نمایم عاجلاً مراجعت فرموده و تمام نمایندگان را بیدار خودتان مسرور فرمائید .

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند این تلگراف مغایره شود قیام نمایند (عموم نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - باتفاق تصویب شد و چون امروز چیزی نداریم در دستور بگذاریم اگر مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم و جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور جلسه آتیه هم از قراری

است که عرض میشود چهار فقره راپورت کمیسیون تفسیر يك فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بادیب کرمانی مخالفی نیست (مخالفی نبود)
(مجلس شش ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۷۴

صورت مشروح روز سه شنبه

۲۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹

رئیس (آقای مؤتمن الملك) سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از یکربع مجلس رسماً تشکیل شد و صورت مجلس روز یکشنبه را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - راپورت کمیسیون تفسیر راجع بماده (۸۵) نظامنامه داخلی است که باید شور دویم در آن بشود - آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دویم بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد - راپورت خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنا بتقاضای آقای رئیس از کمیسیون تفسیر سؤال شده بود که در ماده (۸۵) نظامنامه داخلی که راجع باخذ رأی علنی با اوراق است مذاقه و معلوم شود که آیا فقره دویم و سیم ماده مزبوره اخذ رأی با اوراق را در هر يك از مواد لوایح قانونی الزام میکند یا نه - کمیسیون تفسیر چنین رأی میدهد که هر چند تاکنون در مجلس عمل بر این بوده که در هر يك از مواد لوایح قانونی مذکور در فقره دویم و سیم ماده (۸۵) با اوراق اخذ رأی شود لکن ماده مزبور این ترتیب را قیمت نداده و رأی با اوراق در مواقع اخذ رأی کلی لوایح مزبوره کفایت میکند

رئیس - با راپورت کمیسیون تفسیر مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) معلوم میشود کسی مخالف نیست رأی میگیریم - آقایانیکه مضمون این راپورت را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت (۳۷) رأی از (۶۹) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - راپورت دویم کمیسیون تفسیر راجع بماده (۷) متمم قانون وظایف خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مالیه در خصوص ماده هفتم متمم قانون وظایف بمجلس رسیده بود و بکمیسیون تفسیر ارجاع شده بود که عیناً در اینجا نقل میشود .

موافق ماده هفتم متمم قانون وظایف مقرر است که ورثه که حقوق دیوانی شخصی داشته باشند سهم هر يك از وراث ذکور که بعلاوه حقوق شخصی تجاوز از (۶۴۱) تومان و سهم هر يك از وراث اناث که بعلاوه حقوق شخصی تجاوز از (۳۲۰) تومان باشد تفاضل از سهم ارثی آن وارث کسر میشود و اگر حقوق شخصی وارث ذکور (۶۴۱) تومان یا بیشتر و حقوق شخصی اناث (۳۲۰) تومان یا بیشتر باشد از حقوق متوفی چیزی باوداده نشود حال بعضی از ورثه یافت میشود که حقوق نقدی آنها بدو میزان معینه فوق نیرسد ولی قیمت حقوق جنسی آنها را که منظم کنیم

از میزانهای مذکور تجاوز خواهد نمود و بنا بر این نباید از حقوق متوفی چیزی بآنها داده شود ولی قانون وظایف صریحاً این نکته را تصریح نمی نماید که قیمت حقوق جنس هم باید جزء حقوق نقدی محسوب شود وزارت مالیه ماده هفتم متمم قانون وظایف را چنین تفسیر میکند که باید قیمت حقوق جنس هم بانضمام حقوق نقدی ورثه محسوب شود ولی چون این مسئله مصرح نیست تفسیر خود را در ضمن ماده واحده الحاقیه پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید ماده واحده - قیمت حقوق جنسی ورثه مطابق ترتیب مذکوره در ماده هشتم متمم قانون وظایف تسعیر شده و بمیزان حقوق نقدی وراث اضافه میشود در صورتیکه حقوق وراث ذکور نقداً جنساً مبلغ (۶۴۱) تومان وراث اناث به (۳۲۰) تومان باشد از حقوق متوفی چیزی بآنها داده نمیشود .

کمیسیون تفسیر نظر وزارت مالیه را صحیح دانسته و ماده پیشنهادی را باین نحو تکمیل مینماید ماده واحده - مقصود از حقوق شخصی وراث کدر ماده هفتم متمم قانون وظایف ذکر شده اهم از حقوق نقدی تنها یا حقوق جنسی تنها با حقوق نقدی و جنسی بضمیمه یکدیگر است و ترتیب تقویم حقوق جنس بنحوی است که در ماده هشتم متمم قانون وظایف مقرر است .

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دویم این راپورت بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد - حالا با این ماده واحده که از کمیسیون تفسیر پیشنهاد شده است مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) پس ماده واحده که تازه خوانده میشود رأی میگیریم .

(مجدداً ماده واحده راپورت کمیسیون قرائت شد .)

رئیس - آقایانیکه این ماده واحده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت تصویب شد راپورت دیگر کمیسیون تفسیر راجع بتفسیر اصل (۲۲) قانون اساسی است آقایانی که تصویب میکنند داخل در شور دویم آن بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت تصویب شد - راپورت خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

وزارت مالیه از مجلس شورای ملی تقاضا کرده بوده که اصل (۲۲) قانون اساسی را تفسیر کنند که آیا اجاره استجاره را هم شامل است یا نه کمیسیون تفسیر در این باب در جلسات متعدده مذاکرات بعمل آورده بالاخره تصمیم نموده که چون کلیه عایدات و مخارج دولت باید باطلاع و تصویب مجلس شورای ملی برسد اصل مذکور شامل تمام مواد اجاره املاک و مستغلات نیز میباشد اعم از جزئی و کلی هر گاه بنظر آید که این تکلیف بواسطه کثرت موارد و خصوصاً درباره املاک و مستغلات جزئی موجب اشکال و تعویق جریان امور و تضییع اوقات مجلس میگردد باید بخاطر آورد که این اشکال اختصاص با اجازه ندارد و در نقل و انتقال عین اموال جزئی نیز پیش میآید و رفع آن هم ممکن است چه تصویب مجلس شورای ملی مستلزم این است که در هر مورد خاصی لایحه علیحده از مجلس بگذرانند بلکه چون دولت باید هر سال

کلیه عایدات و مخارج خود را با تغییراتی که در مالیه پیدا شده و میشود در ضمن قانون بودجه و قانون تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و بتصویب برسانند آن موارد جزئیة سابق الذکر را هم در ضمن قوانین مزبوره بتصویب مجلس خواهد رسانید چنانکه هم اصل قانون اساسی محفوظ و هم اشکال مرتفع خواهد بود الا اینکه برای بعضی موارد مخصوصی که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید محل توجه خاصی کرد و لازم این است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد معیناً کمیسیون تفسیر ماده تفسیریه ذیل را در اصل (۲۲) قانون اساسی پیشنهاد مجلس مینمایند .

ماده واحده - مراد از این عبارت اصل (۲۲) قانون اساسی که میگوید (مواردی که قسمتی از عایدات یا ادارائی دولت و مملکت منتقل و فروخته میشود) جمیع وجوه نقل و انتقال اعیان و منافع دولت و مملکت است اعم از بیع و شری اجاره و غیره . . .

مع: زالملك - ابتداء بیاید فراموش کرد که تفسیری که در مجلس میشود غیر از آن تفسیری است که حتماً باید نگاه بمعنای تحت اللفظی عبارات کرد و برای همین است که در سایر جاها محکمه تمیز که حق تفسیر دارد و چهل سال بچهل سال آن تفسیرات را عوض میکند پس کسی که تفسیر میکند و حق تفسیر دارد علاوه بر معانی تحت اللفظی آن قانون باید خصوصیات دیگر و مقصود مقنن را هم در نظر داشته باشد و در اینجا اگر ما رجوع کنیم بقانون اساسی میبینیم که قانون اساسی میگوید که (مواردی که قسمتی از عایدات یا ادارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود) اولاً اگر ما رجوع کنیم با آن اصلی که این قانون اساسی از روی آن نوشته شده است معلوم میشود که مقصودش چیست و مقصود از انتقال اجاره نیست و بر فرض این هم که آن اصل نبود باز نمیشد این مقصود را از این اصل ضمیمه چون یکی از دلایل بزرگی که در اینجا آوردند از میان نرفتن نظارت مجلس شورای ملی است در امور مالیه و بنده تصور میکنم که خود این دلیل صحیح نباشد بجهت اینکه قطع نظر از اینکه اجاره حق مجلس باشد یا نباشد علی ایحال نظارت مجلس بهیچوجه از بین نمیرود و چنان که در این رایورت نوشته اند در ضمن قانون بودجه پیش بینی میشود آن هم هیچ مربوط با اجاره نیست بجهت اینکه فرض بفرمائید شما يك ملكی اینجا دارید قطع نظر از اینکه حق اجاره دادن آن با مجلس باشد یا نباشد عایدی آن ملك همه را هر چه میشود پیش بینی میشود پس نظارتی که حق مجلس است در هر حال از میان نمی رود و هیچ مربوط بحق اجاره دادن مجلس یا عدم حق او نیست و این دلیلی را که کمیسیون آورده است بعقیده بنده دلیل صحیحی نیست حالانکه شخصاً نمیخواهم داخل معنی علمی انتقال و اجاره بشوم بجهت اینکه در شور اول در اینخصوص مذاکرات طولانی بعمل آمد ولی بنده تصور میکنم که ما باید با اجاره يك نظر ساده بکنیم تا اینکه امر سهل بشود بعقیده بنده با اجاره باید بنظر اداره کردن نگاه کرد فرض بفرمائید که يك ملكی دولت دارد و يك عایدی

یعنی از آن حاصل میشود که در آن عایدی همیشه مجلس حق نظارت دارد حالا اگر دولت خودش اسباب اینکار را داشته باشد که خودش مستقیماً این ملك را اداره بکند میکند و عایدی آن را خودش میگیرد ولی اگر اسباب آن را نداشته باشد یا این که مصلحت نه بینند که مستقیماً خودش مباشر اینکار بشود چه بکند لابد بدیگری بعنوان اجاره یا طور های دیگر واگذار میکنند که بتوسط او اداره نماید پس با اجاره میشود بيك نظر و طرز اداره کردن نگاه کرد و چنانچه کلیتاً در سایر منابع ثروتی عایدات دولت فقط پیش بینی میشود و دیگر در طرز اداره کردن آن مستقیماً یا غیر مستقیم پیش بینی نمیشود این هم همانطور است قاعده هم باید همین طور باشد برای اینکه وقتی که در ضمن بودجه پیش بینی کردند که فلان محل فلان قدر عایدی دارد دیگر بنده تصور نمیکند که مجلس شوری باید داخل این بشود که این محل که فلان قدر عایدی دارد بچه طرز اداره میشود خود دولت باید مخار باشد در اینکه خردش اداره بکند یا بدیگری واگذار نماید که آن شخص یا بطور اجاره یا با سامی دیگر آنجا را اداره بکند بله اگر يك اجاره باشد که مال الاجاره آن هم واگذار بشود یعنی بدولت عاید نشود آن وقت در آنجا باید گفت که تصویب مجلس لازم است آن هم نه برای خود اجاره که در واقع یک نوع اداره کردن است بلکه برای این که آن مال الاجاره که يك جزء از عایدات مملکتی است منتقل میشود ولی يك اجاره که عایدی و مال الاجاره آن عاید خود دولت میشود و دیگر انتقالی پیدا نکرده است و همان طرز اداره کردن است و همان چیز را که شاید حقوق میداد بآن کسیکه آن جا را اداره میکرد همان را میدهد یا آنکه این جا را اجاره میکنند این هیچ چیز مهمی نیست که بگوئیم باید بتصویب مجلس باشد و مدتی از اوقات آتی به مجلس را برای اینکار ضایع کنیم و این جا با این که در این ماده میگوید که اجاره هم از وظایف مجلس است کمیسیون يك دلیلی آورده است که بعقیده بنده خود آن دلیل میرساند که کمیسیون تفسیر هم معتقد بوده است باین که اجاره از وظایف مجلس نیست بجهت این که میگوید (الا این که برای بعضی موارد مخصوص که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید مجلس توجه خاصی گردد لازم است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد) این دیگر يك چیز غریبی خواهد شد بجهت این که ما اگر از يك نظر که تفسیر میکنیم قانون اساسی را بگوئیم که اجاره از وظایف مجلس شورای ملی است یا اینکه این غلط است آن وقت هیچ قانونیکه يك حدودی برای این معین بکنند نمیتوانیم بنویسیم برای اینکه هر چه که بنویسیم مخالف قانون اساسی خواهد بود برای اینکه وقتیکه قانون اساسی گفت اجاره از وظایف مختصه مجلس است دیگر همچو قانونی را وضع کردن لغو و بیفایده است یا باید گفت که اجاره از وظایف مجلس نیست و آن وقت فوری يك قانونی را گذرانید که برای يك مدت معینی یا يك موقع و مبلغ معینی یا برای يك طرف معینی حق داد بمجلس که مداخله بکند در این قبیل

موارد ولی وقتیکه قانون اساسی این وظایف را مختصاً بمجلس داد و گفت اجاره از وظایف مجلس است دیگر هیچ قانونی نمیشود وضع کرد که بگوئید تا ۵ سال مدت فرضاً حق مجلس نیست و از ۵ سال بیلا حق مجلس است همینکه این ماده تفسیر شد که اجاره از وظایف مجلس است آن وقت دیگر مجلس نمیتواند بآن طوریکه در رایورت کمیسیون تفسیر نوشته شده است عمل بکند یعنی دولت نمیتواند يك مقدار از عایدات سالیانه را در ضمن بودجه پیش بینی بکند و بعد بیاورند بمجلس برای اینکه معنی این که اجاره از وظایف مجلس است این میشود که در هر موردی يك لایحه بمجلس پیشنهاد نمایند و در آن لایحه مثل سایر قوانین ۲ شور بشود و ماده بماده رأی گرفته شود بعد در کلیات آنهم رأی گرفته شود والا نمیشود گفت که هم اجاره از وظایف مجلس است و هم با وجود این که از وظایف مجلس است فقط باید در ضمن بودجه از نظر مجلس بگذرد بنده عرض میکنم اعم از این که اجاره از وظایف مجلس باشد یا نباشد تمام بودجه جزئیات آن باید از نظر مجلس بگذرد پس باین دلیلیکه عرض کردم این دلایل کمیسیون تفسیر غلط است برای این که وقتیکه این اصل قانون اساسی تفسیر شد باینکه اجاره از وظایف مجلس است دیگر يك قانونی علیحده وضع کردن غلط است و از طرف دیگر تصور میکنم که اگر آقایان خودشان درست دقت بفرمایند خواهند دانست که شامل کردن کلمه انتقال را با اجاره یعنی منوط کردن اجاره را به تصویب مجلس و این هیچ منفعتی از برای مجلس ندارد جز اینکه اسباب تراکم کار های مجلس شورا خواهد شد علی الخصوص که شما میدانید يك قانونی در همین خصوص بمجلس آمده و يك شور آن هم شده است و تعجب میکنم از اینکه آن آقایانیکه رأی دادند در واقع همان آقایان تصویب کرده اند اجاره از وظایف مجلس شورای ملی نیست برای اینکه اگر این طور نبود میتوانستند اول تفسیر بکنند قانون اساسی را که اجاره از وظایف مجلس شورای ملی نیست و بعد پشت سر او آن قانون را بیاورند و بگذارند پس باین دلیلی که عرض کردم عقیده بنده بکلی بر خلاف این رایورت است و تصور میکنم که زود تر همان قانونی که يك شور آن شده است بمجلس بیاورند بگذرد و هیچ يك همچو تفسیری کرده باشند که بعد هم اسباب زحمت بشود

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل در این مذاکره نمیشوم که اگر هر آینه اجاره از وظایف مجلس باشد آیا اساساً این مطلب صحیحی است یا خیر بجهت اینکه شاید بعضی از اصول قانون اساسی را بنده خودم صحیح ندانم ولی بعد از آنکه در ضمن قانون اساسی آمد و قانونیت پیدا کرد نمی توانم مخالفت بکنم مثل اینکه بنده صریحاً عرض میکنم که بعضی از اصول قانون اساسی را خوب نمیدانم ولی معذالک چون قانون اساسی مملکت ما است ناچاریم از این که به آن متمسک بشویم و بهمین جهت عرض میکنم این که میفرمایند اگر اجاره و استجاره راجع بمجلس باشد این اساساً يك معیاری دارد این غیر از تفسیر این اصل قانون اساسی است پس حالا ما باید فقط نظر

بکنیم باین قانون اساسی و زیاده از این مقصودی نداریم داخل مذاکرات دیگر هم نمیشویم برای اینکه اگر بخواهیم داخل مذاکرات دیگر بشویم خیلی از اصول قانون اساسی در تحت مذاکره خواهد آمد حالا ببینیم این اصل از قانون چه میبوسید میبوسد عایدات مملکتی انتقالش از خصایص مجلس است عایدات مملکتی را هم یکقدری باید فکر بکنیم و ببینیم که چه چیز است عایدات مملکتی اعم از منافع مستغلات و املاک دولتی و مملکتی است و اینها تماماً مندرج در تحت این کلمه عایدات است .

اجاره باغات باشد فرق نمیکند اجاره املاک خالصه باشد فرق نمیکند مالیات مستقیم یا غیرمستقیم هم باشد فرق نمیکند عنوان منافع املاک دولتی چیست بفرمائید بنده هم بفهمم این جزء عایدات است چیز دیگری که نیست وقتی که اینطور شد بدیهی است که اگر بخواهند آنها را انتقال بدهند بهر عنوان که باشد یا بفروشند تصویب آ از خصایص مجلس است و اشکالی ندارد حالا اگر اینمطلب اساساً بعضی معایب داشته باشد بنده ربطی ندارد یا اینکه آن اشخاصی که قانون اساسی را نوشتند چه نظری داشته اند آنرا بنده نمیدانم فقط کمیسیون در اینجا آمده است این اصل را تفسیر کرده است که از این عبارت اینطور فهمیده میشود و تفسیرش هم تفسیر صحیح و مطابق قانون اساسی است و حالا این اصل از قانون اساسی را میخوانم برای اینکه ببینیم از آن چه مفهوم میشود و کلمه (دارائی) چون خارج از مقصود و موضوع مذاکره ما است خارج میکنم میبوسد (مواردیکه قسمتی از عایدات دولت و مملکت منتقل و فروخته میشود .)

وعایدات دولت را هم عرض کردم که اعم است و تمام آنها چه فروخته شود چه اجاره داده شود تمام آنها بسته بتصویب مجلس است اجاره هم انتقال است برای اینکه وقتیکه کسی ملکی را اجاره کرد دیگر نمی توان از منافع آن در مدت اجاره تصرفی کرد و اینچاهم معین کرده است که عایدات وقتیکه فروخته میشود یا منتقل میشود تصویب آن از مختصات مجلس است حالا اگر مبرمائید کاین اسباب زحمت فوق العاده از برای مجلس خواهد شد آنرا بنده عرضی ندارم و اینرا هم که مبرمائید وقتیکه این ماده هفتم تفسیر شد که اجاره از وظایف مجلس است اگر ما بخواهیم یک قانونی برای اجاره بنویسیم آن قانون مخالف با این اصل میشود و سلب اختیار مجلس را مینماید اینطور نیست بجهت اینکه بعد از آنی که یک همچو قانونی را نوشتند مجلس آوردند مجلس بواسطه همان اختیاری که دارد هر نوع آن قانون را بگذرانند همان تصویب مجلس است چیز دیگری که نیست و در قانون اداری هم چیزی نمی توانیم بنویسیم که فوق قانون اساسی باشد و اگر فرض کردیم که ما یک قانون شرکتی بنویسیم که بعضی از مواد آن بر نخورد به قانون اساسی بنده عرض میکنم که ما نمیتوانیم همچو قانونی بنویسیم بجهت اینکه قانون اساسی این اجازه را ما نمیده پس ما نمیتوانیم رفع بنا از ظاهر عبارت قانون اساسی بکنیم اگر چه عرض کردم اسباب زحمت هم برای مجلس بشود البته وقتیکه از وظایف مجلس شد باید زحمت انجام آن را هم بر عهده بگیرند مثل اینکه در

تصویب مخارج دچار همین زحمت هستیم که این از وظیفه ما شده است و زور است که یک راپورت دوتومان از کمیسیون بودجه بمجلس ماید و مدتی وقت ما را تلف میکند و حالا ما نمیتوانیم بگوئیم کاین حق را که قانون اساسی بماده ۲۲ چون اشکال تولید میکند و اسباب زحمت خواهد شد اینرا کنار میگذاریم مگر وقتی که اصول قانون اساسی را بان ترتیبی که باید تمام اهالی مملکت نظرات خودشان را در آن بکنند و بعضی از اصول آنرا که لازم میدانند تغییر بدهند والا اگر بهمین حال باشد ظاهر این عبارت این است که اجازه از وظایف و از مختصات مجلس است و باید بتصویب او باشد و هیچ اشکالی هم ندارد بعقیده بنده آنچه که از ظاهر عبارت قانون اساسی فهمیده میشود این است که عرض کردم حالا دیگر بسته برای مجلس است .

آقای میرزاهر ترضی قلمبختان - اول استدعا میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله قدری گوش بدهند عراض بنده را و در صدد این نباشند که عراض بنده را رد بکنند توجه بکنند به نسبت اولاً عرض میکنم که این تصریح قانون اساسی را که اینقدر مکرر فرمودند بدبختانه اول تا آخر فرمایشاتشان را رد میکنند بجهت اینکه اینجا میگوید که موازید که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود این عبارت را هر کسی نگاه بکند میداند که این تلف و نشر مرتب است که این عایدات و دارائی که منتقل و فروخته میشود مراد اینست که هر یک از این عایدات و دارائی که منتقل و فروخته میشود در ملک شخصی فرض کنند مثلاً بنده خودم یک شخصی هستم که یک ملک دارم یک عایداتی دارم اینرا باید وصول بکنم یا خودم بروم سر آن ملک زراعت بکنم و بیل بزنم بزمین یا این که یک بندر گری بگیرم و عایدات آن ملک را با او تصنیف کنم که او عمل بکند و نصف را او بیاید زرع بکند و بمن بدهد هیچ تفاوتی در عایدات من نرسیده است علی ای حال آن عایدات بمن نرسیده است اعم از اینکه خود من بیل بزنم یا آن که بندر گر بگیرم یا این که خودم بروم بجای آن کسیکه زرع میکند یا اجاره بدهم به کسیکه برود عوض من رسیدگی بکند و او میگوید من محصول این ملک را بعمل میآورم و سالی بیست من گندم بتو میدهم پس منم مثل دولت عمل کرده ام ظاهراً لفظ را هم درست ملاحظه بفرمائید انتقال عایدات کدام است شرعاً اگر مبرمائید اما ملکی را شخصی میدهد به کسی عمری یا حبس یا توقیف میکند دولت چطور میتواند انتقال بدهد عایدات را مثلاً میگوید گمرک فلان جا را تا ده سال دادم که قرض فلان جا را استهلاك کند معنیش چیست معنیش انتقال است یعنی عایدات را دولت انتقال داده است و مسلم است آن را مجلس شورای ملی باید اجاره بدهد اما یک دکانی یا یک زمین را که دولت بخواهد اجاره بدهد یا خودش اداره بکند چه فرقی میکند و الا اگر اجاره را باید مجلس تصویب بکند بنده عرض میکنم که باید اداره کردنش را هم مجلس تصویب بکند همینطور که فلان شخص را دولت باید در سر اداره کردن فلان ده بگذارد همینطور در باب اجاره دادنش

چه فرقی میکند که عایدات آن ده بتوسط اداره کردن زید باشد یا بتوسط اجاره دادن بزید باشد پس اگر جنابعالی مبرمائید حتماً مجلس شورا باید تصویب بکند همه اینها مثل همدیگر است اینستکه بنده عرض میکنم که عرضش هم این است که عرض کرد و عرضش هم اینست که عرض کردم این عبارت اگر مقصود مباحثه نباشد هیچ محل شعبه و گفتگو نیست که معنی انتقال عایدات همین قسم است که بنده عرض کردم و الا بعینه مثل هم است بنده عرض نمیکنم که مجلس نباید مستحضر بشود از عایدات دولت باید مستحضر بشود هم از فروش هم از اجاره اما نه اینکه مدیر و موجد باید اجازه بگیرد همین قدر باید مجلس بفهمد که امروز خالصه جات دولت را بچه قسم اداره کرده اند چقدر امسال عاید شد در ضمن بودجه باید بفهمد که چقدر عایدات اجاره شد چه تصویب بکند یا رد بکند در هر صورت بنظر مجلس میرسد ولی هیچ تفاوتی نیست بین اجاره و اداره و بنده بکلی فکر این فرمایشاتی هستم که از اول تا آخر فرمودید و بنده خواهش میکنم از مجلس که آن طرحیکه پیشنهاد شد و اینجا زحمتش کشیده شد شور شد و بینی بنی الله بهترین قانونی بود که برای اینمطلب نوشته شد و از آن بهتر بنده طرحی ندیده ام در این مواد بجهت اینکه جمع کرده است بن تمام مواردی و یکدفعه شور کردیم و بنا بود دوباره شور بشود همانرا بیاورند مطرح بکنند اشکال این ماده را بکلی حل بکنند .

آقای شیخ ابراهیم - اولاً بنده ترتیب تصویب و نظارت مجلس را در مالیه عرض میکنم تا معلوم شود که اجاره کردن یا اداره کردن یا بخشیدن چه فرق دارد اداره کردن و اجاره دادن را نمیگویند با مجلس باشد تصویب باید بمجلس باشد وزیر میگوید من این ملک خالصه را اجاره داده ام یا من اطمینان دارم تصویب میکنم یا اینست که میگویم که من تصویب نمیکنم این اداره کردن نیست اجاره دادن هم بیست اجاره کردن را کی گفت با مجلس است تصویب عملیکه وزیر میکند بمجلس است پس تصویب با مجلس است اما آن اشکالیکه فرمودند بنده عرض میکنم که آقایانیکه این اشکال را دارند دارائی دولت که فروخته میشود که در قانون اساسی است تا حال کدام یک من گندم را فروختند و بمجلس پیشنهاد کردند کدام شتر را یا اسلحه را فروختند و بنظر مجلس رسید کدام پیشنهاد بمجلس شده است که اجازه داده ایم فروختن را که قطعاً صریحاً میگوید که باید بتصویب مجلس باشد اجاره هم مثل او هست فرق ندارد قسمتی از عایدات مملکت عیناً یا منفعتاً انتقال نیست ؟

پس چه چیز است من میگویم در فلان جا فلان قدر عایدات و منافع غله دارد میگویند امسال چه کرده میگویم با اجازه انتقال داده ام بفلان کس یا بخشیدم یا بدهم کردم اگر بگویم با اجازه منتقل کرده ام بفلان کس دروغ گفته ام که آن گندمیکه مبیاست مال من باشد او را بزار تومان منتقل کرده ام با او اجاره داده ام اجاره دادن هم انتقال است و تصویب کمیسیون تفسیر همچو میگوید مالیات همه ساله باید تصویب بشود و مالیات همه ساله تصویب علیحده میخواهد حتی

مالیات امساله همان مالیات سال گذشته است باز هم باید بتصویب مجلس برسد برای چه تمام مواد بودجه همه ساله از سر تا با تصویب جدید میخواهد ؟ آن مالیات مگر لایحه میآید که مالیات فلان ده فلان قدر لایحه میکند میآورد این جا ؟ یا تمام را در ضمن بودجه میآورد و تصویب اجاره را هم بعینه مثل تصویب مالیات بدانند من تصویب میکنم که فلان جا فلان قدر مالیات داشته باشد این لایحه علیحده است یا در ضمن بودجه است و رسم تمام ممالک این است نه اینکه بگویند مجلس شورای ملی ایران احتیاطی کرده است و اینحق را داده است بمجلس نه اینطور نیست تنها اینجا اینطور نیست در تمام جاهای دنیا این احتیاط را کرده اند در تمام ملل و دول اینطور است حالا کار ما با ترتیب نیست انشاء الله درست میشود آنچه که دولت دارائی دارد او ذخیره پول و اسلحه منافع باغات و املاک و مستغلات تمام در دفتر دولت است باید صورت بدهند مالیاتهای که تعبیر داده شده است بقیه میبوسند مالیات فلانجا فلانقدر مالیات فلانجا فلانقدر اجاره هائیکه سابق داده است آنها را هم میبوسند فلان دکان اجاره اش فلانقدر است معادن ترقی کرده است اجاره اش بیشتر شده فلان معادن عایدش فلانقدر است یا امسال پیش بینی شده فلانقدر نقصان دارد یا از اسلحه دولت فروختنی است یا فلان چیز خریدنی است اینها را پیش بینی میکنند بودجه این پیش بینی تخمین است ممکن است یا تصد تومان اضافه کنیم بشود تصویب بودجه بیک درجه تخمین است مالیات مملکت هم همینطور است که می بینند یکجایش سوخت شده است یا پیشنهاد میکنند که فلانجا سوخت شد می بیند حق دارد انجمن های ولایتی برای این است که تقاضای تخفیف بکنند و با وجود اینکه بودجه تصویب شده است باز تخفیف میدهد این است که کلیه عایدات مملکت را یعنی آنچه که مالیه دولت است بهر نحو و بهر قسم از معدنیات باشد با اجاره باشد بفروش باشد مالیات گرفته باشد با استخراج معدن باشد از عقیقات استخراج کردن باشد همه را در ضمن بودجه بمجلس میآورند و مجلس تصویب میکنند و در آخر تفریع میکنند حالا هر گاه اطلاع پیدا کردیم فلان جا فلان قدر اجاره اش بوده وزیر او را کمتر ا برده داده او را چه وقت مؤاخذه خواهیم کرد حق بحث داریم یا نداریم حق اعتراض داریم یا نه ؟ حق مذاکره داریم یا نداریم ؟ در تفریع بودجه میآورد یا نه ؟ در تصویب بودجه میآورد یا نه ؟ مثلاً اجاره فلان جا سال سابق ۲۵ هزار تومان بوده است حالا ۲۰ هزار تومان داده است بعینل وزیر نیست تصویب مجلس را هم میخواهد تمام مالیه دولت بهر نحو نقل و انتقال شود یا بیع و شری بشود باید بمجلس بیاید حتی این تفنک را با آن تفنک عوض میکند باید در بودجه بنویسد امسال فلان قدر از حیوانات دولتی سقط شدند باید نوشته شود فلان قدر اسلحه نا مرغوب است باید فروخته شود یا فلان قدر اسلحه تلف شده است فلان قدر باید خریده شود تمام را در ضمن بودجه پیشنهاد میکنند هم چنین اجاره آنها هم در ضمن بودجه پیشنهاد میشود پس کمیسیون تفسیر نظر خوبی داشته است

که گفته است دارائی و عایدات دولت که فروخته میشود باید بتصویب مجلس باشد و لیکن بجهت اهمیت بعضی مواقع مثلاً مبلغ زیاد است یا طرف خارجه است یا مدت زیاد است آن را وزیر در ضمن بودجه بمجلس پیشنهاد نمیکند بلکه در ضمن لایحه علیحده میآورد و بموجب آن لایحه تقاضای بکند مگر این که آن اصل قانون اساسی اقتضا ندارد که لایحه مختصه را این جا بیاورند و این جا هیچ تفسیری در قانون اساسی نداده است و همان مضمون قانون اساسی عمل میکند لکن در ضمن لایحه بخصوصه ملاحظه کرد که اگر چنانچه اجاره بمجلس باشد چه فایده خواهد داشت .

و اگر بمجلس شورای ملی نباشد چه ضرری متصور است اولاً اصل ۲۲ قانون اساسی را که مبرمائید بنده از اصول بیست و دوم قانون اساسی همچو میفهمم که مثلاً عایدات املاک خالصه را دولت بامی فروشد یا برگذار میکند وقتیکه میخواهد بفروشد باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد مثل اینکه غله خالصه املاک سیستان را دولت میخواهد بفروشد بکسی باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد یا اگر میخواهد انتقال بدهد بکسی باید بتصویب مجلس باشد و گویا ربطی با اجازه نداشته باشد و بنده عرض میکنم اثری و فایده که اینجا متصور است اینست که شاید یک وقتی وزیر املاک را اجاره بدهد بشکلی که هم از حیث مدت و هم از حیث مال الاجاره و هم از حیث شرایط ضرر ملت و مملکت باشد (مثل بعضی اجاره هائیکه داده شده است باید پیش بینی بشود اینجا ببینیم پیش بینی ممکنست بشود یا نه - اولاً آقا شیخ ابراهیم فرمودند که چنانچه قروض از وظائف مجلس بوده است تصویب آن تا بحال چه وقت بمجلس آمده است بنده یادآوری میکنم که آورده شده است یک پستخانه را دولت میخواهد در سمنان بفروشد و یک پستخانه دیگری بجای آن در خارج شهر بسازد وقتی که در آن اطاق بودیم لایحه از طرف وزارت پست آورده شد که آن را میخواهیم بفروشیم باید بتصویب مجلس برسد و اما در باب اجاره بنده نمیدانم که مجلس شورای ملی چه حال پیدا خواهد کرد روزیکه تمام این اجاره جات با شرایط و تمام موادش بیاید در مجلس مطرح بشود و دو شور بشود از مجلس بگذرد گمان میکنم که مجلس تمام اوقاتش را باید صرف اجاره بکند اینجا فایده که خواهد بود اینست که جلوگیری بکنیم که اگر هیئت دولت یک وقتی خواست یک ملکی را اجاره بدهد که صرفه دولت در آن نباشد بمجلس بیاید که صرفه دولت کاملاً منظور شده باشد و مجلس جلوگیری کند و پیش بینی این درد وجود داشته است یکی در قانون محاسبات عمومی از مجلس شورای ملی گذشته که تمام معاملات باید بعد از این بطریق مزایده و مناقصه باشد یعنی دولت آنچه را که میخواهد اجاره بدهد یا بفروشد اعلان میکند بطریق مزایده و معلوم است وقتی ملکی را بخواهند اجاره بدهند ۱۵ روز قبل در روزنامه اعلان میکنند که هر کسی شرایطش سهلتر و مال - الاجاره بیشتر و مدتش کمتر باشد قبول بکند بدیهی است که با او خواهند داد و اگر دولت چیزی میخواهد

بفرد مسلم است آنهاهم بمنافعه خواهد بود علاوه بر این اگر بخواهیم به بعضی کار های باریک عتیق بگوئیم که اجاره داخل در این اصل ۲۲ قانون اساسی هست اگر در واقع میخواهید بنظر مجلس شورای ملی باشد علاوه آنکه در ضمن قانون محاسبات عمومی پیش بینی شده است آن لایحه که بمجلس آمده است و یک شور شده است آنرا از مجلس شورا بگذرانند تمام اقسامش را هم آنجا بیان کرده است و پیش بینی کرده است ضررهائیکه از برای دولت متصور بشود والا بنده پس از مدافعه و مطالعه زیاد واقفاً هیچ نمیفهمم که اصل ۲۲ قانون اساسی حکم بکند که اجاره دادن فلان ملک که پنج هزار اجاره دارد باید تمام شرایطش بمجلس باشد .

ذکاء الملک - این مذاکراتی که میشود هیچ ربطی بموضوع ندارد و چیزهایی نسبت به کمیسیون داده میشود که خودش از آن خبر ندارد آقای زنجانی توضیح دادند هیچ نمیگوئیم که دولت چیز را که میخواهد اجاره بدهد لایحه اجاره آنرا بیاورد بتصویب مجلس برساند لازم نیست وقتیکه دولت املاک را اجاره میدهد بطوریکه لایحه علیحده بمجلس بیاورد ما اینجا اختلافاتی که داریم در واقع در معنی تصویب است در اینستکه تمام تصرفاتیکه در عایدات و دارائی دولت میشود باید بتصویب مجلس برسد حرفی نیست منتهی اینکه تصویبی که اینجا ما میگوئیم مقصود آن تصویبی نیست که در ضمن لایحه علیحده باشد این تصویب بهر حال واقع میشود یعنی تا اکنون هم اگر بودجه بمجلس آمده و از تصویب مجلس گذشته بود این اصل قانون اساسی معمول و مجری شده بود حالا میگوئیم باید همان طور بشود و اینکه گفته میشود که یک لایحه در این باب بمجلس آمده و یک شور ثانی آنرا بکنیم ما هم همینکه تقاضا را کرده ایم اینکه کمیسیون تفسیر اصل ۲۲ قانون اساسی را شامل اجاره می داند از این بابت است که هر وقت دولت بودجه بمجلس فرستاد تمام مسائل اجاره و استجاره را باید بمجلس بنمایند الا اینکه در تصویب یک سرق دیگری هم داریم و آن اینستکه لایحه مخصوص بیاورند و از مجلس بگذرانند و اینهم در عموم موارد اجاره لازم نیست در بعضی مواد مخصوص که اهمیت دارد ممکن است بتوسط لایحه مخصوص بمجلس بیاورند پس هیچ نزاعی نیست فقط نزاع نطقی است آنچه گفته شد عین مقصود کمیسیون تفسیر است و اینکه ما گفته ایم اجاره و استجاره هم بتصویب مجلس برسد مقصود همان است که آقایان مبرمائید دعوا و نزاعی لازم ندارد .

حاج شیخ الرئیس - بنده چون در شور اول عقیده خودم را بعرض مجلس رسانیدم حالا هیچ لازم نمیدانم تکرار کنم ولی فقط برای این که بدانند آقایان که تجدد رای و عقیده ثانوی برای بنده پیدا نشده است عرض میکنم و باین جمله مختصر قناعت میکنم با کمال تعجب آن روز عرض کردم گویا (و گویا نیست) مثل این است که تفسیر کنم یک جمله را که خودم گفته باشم در یک مجمعی و این ماده ابتدا بعنوان اجاره و استجاره آمده نه در وقت جعل این قانون مقنن در نظر داشته است نه اینکه

اجاره را شامل است و بنده خیلی تعجب میکنم این را که آقایان باید توجه بفرمایند که اگر معنی انتقال رایک معنی اصمی میخوانند شامل شود و یک توسعه پیدا کند پس بیع هم داخل انتقال است باید ملتفت همان نکته را که یک نماینده محترمی گفت لف و نشر مرتبی گفت اگر چه خاطر بعضی مشوش شد عایدات و انتقال دارائی و فروش یعنی دولت نمیتواند بدون تصدیق و تصویب مجلس شورایی همانطور هائیکه خود سرانه همیشه میکردند و میبخشیدند بآن طور ها نمیتوانند رفتار نمایند مثلاً فلان دریای نور یا کوه نور را بنده به بخشد یا فلان اسلحه خانه را بدلوخواه خودش یک کسی بفروشد و وقتی هم که میخواند بفروشد البته بطریق اولی باید بمجلس رجوع بکنند و بنده تعجب میکنم که اگر بنا باشد عایدات را یعنی مال الاجاره را جزء عایدات بگیریم و بعد خود اجاره را جزء انتقال این یک انتقالی است که بنده ملتفت نمیشوم این چه چیز را انتقال میدهد آخر اجاره میدهد ملک را که اداره بکنند ملک را که باو منتقل نمیکند ملک سر جایش هست بنده تقدیس میکنم نطق آقای معزز الملک را که فرمودند این اجاره در حقیقت یک نحو اداره است چه خودش به طریق مستقیم آنرا اداره بکنند و بپاشرت مستقیم انتفاع از این برود چه بدیگری بگوید بطریق مزارعه و مساوات و اجاره و استیجاره کنند ابدأ نظر مقنن هیچ متوجه اجاره نبوده است تفسیر رائی در این مسئله کمیسیون نموده است و این ماده هیچ متوجه اجاره نبوده است و اگر بگویند در آنوقت یا بعد از این میتوان اجاره را داخل در این ماده کرد بنده با کمال جدیت حاضریم که تنقید کنم و تردید کنم این تفسیر را حالا اگر میخواهد تفسیری بکنند و با احتیاطی بکنند که اجاره های جزئی را هم بتصویب مجلس برسانند این یک نظری است ولی این تفسیر باین صورتیکه از کمیسیون تفسیر گذشته است علم الله تعالی تفسیری است که برخلاف نظر جاعل قانون و فلسفه قانون است .

حاجو کیل الرعایا - بنده گمان میکنم که

کمیسیون رایش را خیلی . . .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توجه نمیکند

حاجو کیل الرعایا - کمیسیون در رای خود

خیلی دقیق شده و وارد است و مقنن قانون اساسی هم همین مقصود را داشته است . که امروز کمیسیون یکتصدی آنرا توضیح داده است برای چه برای آنکه باب اجاره وسیع است و ممکن است که همه اختیارات مجلس را کم کم بگیرد اگر بعضی از آقایان تصور میفرمایند که بعضی جزئیات هست که ترضیع وقت مجلس را میکند اولاً جواب داده شده یک اضافه هم بنده بآن جواب خواهم کرد که مجلس شورای ملی میتواند اگر بخواهد یک مستثنائی را که چندان قابل اعتناء نیست از جزء عایدات مملکت موضوع و خارج کند و داخل در عایدات شهری نماید بواسطه مساعدت بلده برای اینکه در یک وقتی که یک کمکی بلده میبرد و او را از این راه کرده باشد با آنکه باز او هم در یک مجلس شورا با اجاره و انتقال داده شود که از شورویت خارج نباشد و این در نظر مقنن قانون اساسی بوده است که اجاره از مختصات مجلس است و این را مقنن میتواند در جای خودش بکنند که خود را دچار زحمت

بزرگی نکند و اما اینکه فرمودند ملک که منتقل نمی شود بجای خودش باقی است بنده عرض میکنم که انتقال و اجاره همه اش راجع بزمن نیست و بنده نمیدانم که معادن را هم اجاره میدهند و حال آنکه آن انتقال عین است معادن وقتی خالی شد دیگر چه باقی میماند مواد قیمتی را خارج کرده است آن وقت محل خالیش را میدهد خدمت شما بنده بجهت و دلایلی خیلی زیاد اینجا می توانم عرض کنم که وقت مجلس اشرف از اینست که بنده ترضیع کنم همبفکر عرض میکنم اگر این باب اجاره را مسدود بکنیم شاید وقتی را که لازم بوده است مجلس در حفظ عایدات مملکت نکرده است و با اندازه باب اجاره وسیع است و امروز هم بحال ما مضرت بنده عرض میکنم که اگر گمرک را اجاره داده اند تلگرافخانه را اجاره دادند چه میکنند اگر بعضی مالیات های شهری شما را اجاره کردند چه میکنند اینها همه جزء اجاره است فردا صبح خبر رسید که گمرک شما را پنجساله اجاره داده اند چه خواهد کرد باید دانست که خیلی باب اجاره وسیع است و بنده نمی توانم بیشتر از این وقت ضایع کنم ولی عرض میکنم که این تفسیر خیلی مبارک است و میتواند کمکی بعایدات این مملکت بکند که در حد خودش خرج بشود و از تفریط مصون باشد .

رئیس - تقاضای شده است از طرف جمعی از

نمایندگان قرائت می شود .

تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت گردید

تقاضا میکنیم که تفسیر اصل ۱۲ قانون اساسی

مسکوت عنه بماند .

رئیس - تقاضائی شده است که این مسئله

مسکوت عنه بماند ولی مقصود معوق بودن اینست

(گفته شد بلی مقصود تعویق است)

ذکاء الملک - بیاناتیکه تا کنون شده است

معلوم میکند که هیچکدام از آقایان با مقصود کمیسیون

مخالف نبودند منتهی در عبارت مخالف بودند و

میفرمودند عبارت آتمقصود را نمیرساند پس بنده

تقاضا میکنم که این راپورت را حالا رجوع بکنند

بکمیسیون تفسیر که تجدید نظری در آن بکنیم و ثانیاً

اگر لازم شد راپورت بدسیم .

رئیس - خوب مقصود آقایان هم حاصل میشود

پس بر میگردد بکمیسیون .

هشترودی - پس پیشنهادها را هم رجوع

کنید بکمیسیون .

رئیس - با همه بر میگردد بکمیسیون راپورت

چهارم کمیسیون تفسیر راجع بمواد ۶۰ با ۴

نظامنامه داخلی قرائت میشود (راپورت مزبور

بعبارت ذیل قرائت شد) بنا بر تقاضای آقای رئیس

کمیسیون تفسیر در مواد ۶۰ یا ۶۴ نظامنامه

داخلی راجع باصلاحاتی که از طرف نمایندگان در

طرحها و لوایح قانونی پیشنهاد میشود دقت نظر

نموده اینطور رای میدهد که رعایت سهولت و سرعت

جریان امور و استفاده از نظر نمایندگان چنین اقتضا

می کند که قبل از شور درویم لوایح قانونی آنچه

اصلاحات از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود بدون قابل توجه شدن به کمیسیون رجوع شود تا کمیسیون در آنها امان نظری نموده اتخاذ رای نماید ولی در شور درویم هرگاه اصلاحی پیشنهاد شود از جاع آن بکمیسیون موقوف بتقاضای مخبر یا قابل توجه شدن در مجلس باشد علیهذا رای کمیسیون تفسیر بر این است که که جمه اخیر ماده ۶۰ که میگوید (اصلاحاتی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود) و لفظ اول در ماده ۶۲ حذف شود .

رئیس - مخالفی هست ؟

حاجو کیل الرعایا - بنده .

رئیس - بفرمائید .

حاجو و کیل الرعایا - گمان بنده بر این است

و نمیتوانم عقیده خود را هم عرض بکنم که آن پیشنهاد

کننده مقصودش این بوده است که این را پیشنهاد

کرده است لکن وقت مجلس کمتر صرف میشود و

برای همان نظر که او دارد بنده هم ناچارم که این

توضیح را بدهم که وقت مجلس کمتر صرف شده باشد

برای اینکه اینجا یک اصلاحی پیشنهاد میشود لابد

همان ترتیب که در نظامنامه داخلی معین است چنانچه

البته آقایان بهتر از بنده میدانند آقای رئیس رای

میگرفت اگر قابل توجه میشد که میرفت بکمیسیون

والا رد میشد میرفت عقب کار خودش و مجلس بکار

دیگر میرداخت حالا این اصلاح میرود بکمیسیون

اگر محل توجه نشد صاحب آن اصلاح چه خواهد

کرد یقیناً مطالبه اصلاح و عقیده خودش را خواهد

نمود اگر بکلی تفریط بکند باینکه کمیسیون هر چه

میکند دیگر محل حرف نباشد که هر چه را تصویب

کرده است و هر چه را حذف کرده و دور انداخته

است بنده تصدیق میکنم این پیشنهاد را ولی متأسفانه

اینطور نیست بعد از آنی که لوایح برگشت بمجلس

آن صاحب پیشنهاد مطالبه رای خودش را میکند که چه

شد آن اصلاحی که من پیشنهاد کردم باز ناچار

میشوم که مباحثه بکنیم و همان اوقات اولی با یک

قدری زیادتیر صرف میشود گمان میکنم همان ماده

نظامنامه بجای خودش بیشتر این ملاحظاتی را کرده

است و وقت مجلس از این ترتیبی که گفته میشود

کمتر صرف میشود حالا آقایان خود دانند .

ذکاء الملک - وقتیکه بنا شد کلیه پیشنهادها بیکه

میشود قبل از شور ثانی برود بکمیسیون اول این

حسن دارد که بسیاری از پیشنهادها اگر رای گرفته میشود

میشود بکمیسیون رجوع میشود و چون شور اول است و بدون

اینکه نمایندگان سابقه داشته باشند رای گرفته میشود

مطالعه صحیحی نکرده اند بسا میشود که در یک امر

با مطالعه پنج دقیقه و ده دقیقه نمیتواند کسی رای

صحیحی بدهد و مجددم هم هست که در اینجا یک رای

بدهد و بسیاو اتفاق می افتد که پیشنهاد های صحیح

رد میشود در صورتیکه اگر بکمیسیون برود شاید

آنرای را صحیح بدانند حالا چون مطالعه نشده

است در شور اول این عیب راییدار میکند و از آنطرف

که تمام پیشنهادها فرستاده شد بکمیسیون این شخص

هم خودش پیشنهاد کرده است در شور اول تا شور

ثانوی در آن باب مطالعاتی میکند اگر از نتیجه

مطالعاتش منتقل شد که این اصلاح لازم نیست متقاند

و رئیس آن را بکمیسیون مربوط بآن میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح و تایید و مدافعه نشود مجلس درباره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود .

رئیس - جمله که کمیسیون حذف آنرا تصویب

میکند این جمله آخر است از (اصلاحاتی که از طرف

نمایند پیشنهاد میشود) تا (قابل توجه شود) ملتفت

باشند حالا رای میگیریم آقایانیکه معتقد هستند که

باید این جمله آخر در ماده ششم باقی بماند قیام

نمایند (دوسه نفر قیام کردند) .

رئیس - رد شد پس آن جمله اخیر حذف شد

حالا ماده شصت و دویم با لفظ اول که کمیسیون حذف

آنرا تصویب کرده است خوانده میشود (بعبارت ذیل

قرائت شد) .

ماده ۶۲ - اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور

اول و ثانی پیشنهاد میشود در صورتی که مخبر

کمیسیون مربوطه بآن تقاضا نماید باید رجوع به

کمیسیون شود .

نشان الحکماء - بنده یک اصلاحی

پیشنهاد کرده بودم اجازه می فرمائید توضیحی

عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

نشان الحکماء - اصلاحی که بنده پیشنهاد

کردم اینست که اصلاحاتی که در شور اول از طرف

نمایندگان پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس

مطلقاً باید بکمیسیون رجوع شود برای اینکه

معلوم است ابتداء اصلاحاتی تقدیم مجلس میشود و

آن اصلاحات در هر حال باید محفوظ باشد برای

تشویق و برای اینکه معلوم شود کدام اصلاح تحفی

است کدام اصلاح صحیح است و چه اصلاحی عالی

است و اگر اصلاحات محفوظ نماند ممکن است در

شور ثانی باز صاحب اصلاح همان اصلاحی را که در

شور اول پیشنهاد کرده است مجدداً پیشنهاد کنند

پس برای اینکه اصلاحات محفوظ باشد و معلوم

باشد اصلاح نجیف و عالی و مستقیم و غیر مستقیم

خوبست این اصلاحات بدو در مجلس قرائت شود

و بدون اینکه رای گرفته شود بکمیسیون رجوع شود

و محفوظ بماند برای شور دوم .

رئیس - این اصلاحی است که آقای لسا الحکماء

پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت

شد) در ماده ۶۰ - بجای جمله اخیر ماده ۶۰

باید این طور نوشته شود اصلاحاتی که در شور اول

از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در

مجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوطه بآن رجوع

شود .

ذکاء الملک - مقصود همانست که کمیسیون

راپورت داده است و این اصلاحیکه پیشنهاد فرموده اند

اگر راجع باده شصتم باشد چنانچه قرائت کردند

ماده شصتم گذشت و رای گرفته شد حالا در صورتی

که حذف قسمت آخر در ماده شصت شد ما همان

عبارتیکه در بالا هست در همان ماده که میگوید

(اصلاحات مزبور نوشته شده است بر رئیس داده میشود

و رئیس آنرا بکمیسیون مربوطه بآن میفرستد نتیجه

این میشود که تمام اصلاحات را رئیس میفرستد به کمیسیون اما این ماده ۶۲ چون لفظ اول دارد این منافی میشود با این ترتیب بدلیل این که گفته هر چه پیشنهاد میشود باید برود بکمیسیون مگر این که مخبر تقاضا بکند یا بکنند لغو است فقط تقاضای مخبر منحصر میشود شور دوم همانطوریکه عرض کردم پس نتیجه این میشود که بموجب این حذفیکه در ماده ۶۰

کردیم حذف لفظ اول که حالا در ماده ۶۲ کردیم

بکنیم در شور اول هر چه اصلاح پیشنهاد مطلقاً

برود کمیسیون و در شور دوم اگر اصلاحی پیشنهاد

شد با اگر همان اصلاحات سابق را پیشنهاد کردند

آن وقت یا مخبر تقاضا میکند که برود بکمیسیون

یا رای از مجلس میگیرند و قابل توجه میشود بعد

فرستاده بکمیسیون و مقصود آقای لسان الحکماء هم

همین است و مقصود ایشان بعمل میآید از این که

آن عبارت از ماده ۶۰ حذف شود که حذف کردند

و حالا هم این کلمه اول را در این ماده حذف بکنند.

نشان الحکماء - آقای ذکاء الملک توجه

نفرمودند در ماده ۶۲ بنده مخالف نیستم که آن

لفظ اول حذف شود لکن مقصود بنده در ماده

شصتم بوده که این اصلاحات محفوظ بماند و مقصود

بنده بعمل میآید از این که قبل از این که اصلاحات

بکمیسیون رجوع شود در مجلس قرائت شود بعد

برود بکمیسیون تا این که معلوم شود هر اصلاحیکه

نمایند مخبر می پیشنهاد کرده است چه قسم بوده است

اصلاح عالی است یا اصلاح نجیف است دیگر

آن که در شور ثانی عین آن اصلاح را مطالبه و

قرائت نکنند نظر بنده اینست که اصلاحات در شور

اول قرائت شود و آن وقت بکمیسیون رجوع بشود

چون ممکن است اگر قرائت نشود ضبط نکنند

و در شور ثانی آن نماینده مجدداً همان پیشنهاد

سابق را پیشنهاد خواهد بکند و بگوید اصلاح من

کود مفقود شده باشد باین جهت لازم است که

اصلاحات محفوظ بماند .

ذکاء الملک - بنده تصور میکنم مقصود

حضرت والا حاصل است و در ماده شصتم هم کرای

دادیم و گذشت .

رئیس - جمله اخیر ماده ۶۰ را حذف

کردیم ولی منامات ندارد که جمله الحقیقه هم ضمیمه

بکنیم .

ذکاء الملک - کمیسیون مخالف نیست

البته اصلاحات باید در محل قرائت بشود .

رئیس - مجدداً اصلاح آقای لسان الحکماء

قرائت می شود و رای می گیریم (اصلاح مجدداً

قرائت شد) .

رئیس - باین اصلاح رای میگیریم آقایانیکه

این اصلاح را قابل توجه میدانند نماینده (اغلب

نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت چهل و یک رای تصویب

شد حالا باید روی اهم رفته رای بگیریم تمام ماده

قرائت می شود و رای می گیریم (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶۰ - اصلاحاتی که از طرف یک یا چند نفر

از نمایندگان پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصل

بودجه را که اصلاح راجع بان است باید تصریح نماید اصلاحات مزبور نوشته شده بر رئیس داده میشود و رئیس آنرا بکمیسیون مربوط بان میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح و تأیید و مدافعه نشود مجلس در باره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصل بودجه را که اصلاح راجع بان است باید تصریح نماید اصلاحات مزبور نوشته شود بر رئیس داده میشود و رئیس آنرا بکمیسیون مربوط بان میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح تأیید و مدافعه نشود مجلس درباره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوط بان رجوع شود .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده ۶۰ باین ترتیب که خوانده شد آقایانیکه ماده ۶۰ را باین ترتیب تصویب میفرمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - در ماده ۶۲ باراپورت کمیسیون مخالفی نیست (اظهاری نشد) - پس ماده شصت و دوم با حذف لفظ اول قرائت میشود .

(بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶۲ - اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور ثانی پیشنهاد میشود در صورتیکه مخبر کمیسیون مربوط بان تقاضا نماید باید رجوع بکمیسیون شود .

رئیس - آقایانیکه این ماده شصت و دوم را بطوریکه کمیسیون تصویب کرده است تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپورت کمیسیون بودجه راجع بادیب کرمانی قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بتاریخ ۴ رجب ۱۳۲۹ نمره ۳ از کمیسیون بودجه بمجلس مقدس لایحه وزارت مالیه راجع بتقاضای ماهی بیست و پنج تومان در باره ادیب المجاهدین کرمانی قرائت گردیده نظر باستحقاق و صدماتیکه در راه آزادی بادیب المجاهدین رسیده کمیسیون بودجه با اکثریت آراء ماهی پانزده تومان مادام الحیات درباره معزی الیه تصویب مینماید .

ماده - ماهی پانزده تومان مادام الحیات درباره ادیب المجاهدین کرمانی برقرار میشود .

رئیس - مخالفی در این راپورت هست (اظهاری نشد)

آقا میرزا احمد قزوینی - یک مرتبه دیگر بخوانند .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را ورقه سفید خواهند داد آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد در این موقع شروع باخذ اوراق رأی شد و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق را باین عده احصاء نمودند ورقه سفید (۳۵) ورقه آبی (۳)

رئیس - بلا تکلیف ماند استعفاءنامه آقای نوبری است قرائت میشود بعبارت ذیل قرائت شد ۲۶ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۹ (مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه چون مخلص بجهت موانع شخصیه از حضور مجلس شورای ملی معذورم لهذا با کمال تأسف استعفای خودم را از

آن مقام عالی درخواست مینمایم (اسمعیل نوبری

رئیس - آقای متین السلطنه از عضویت کمیسیون نظامنامه انتخابات استعفاء داده اند باید در شعبه دوم که در چهاردهم تعیین شده بود یک نفر بجای ایشان انتخاب شود يك فقره راپورت کمیسیون تجارت است برای آوردن ماشین آلات برای چرم سازی فرستاده میشود که طبع و توزیع نمایند یک فقره دیگر هم راجع باستخدام یک نفر مستشار خارجی است برای وزارت تجارت برای طبع فرستاده میشود از قرار معلوم چندی قبل از طرف وزارت پست و تلگراف و پیشنهادی راجع بحقوق اجزاء تلگراف خانه بمجلس شده است و بکمیسیون بودجه فرستاده شده ولی تا حال کمیسیون بودجه راپورت نداده اند وزارت پست و تلگراف هم چون دو ماه است از موعد پیشنهادش میگذرد مطابق نظامنامه حق دارد که بخواند جزء دستور گذاشته شود .

حاج عز الممالک - کمیسیون بودجه در این خصوص هنوز عقیده نداده است لکن اگر توضیحی بخواهند عرض میکنم .

رئیس پس خوبست زودتر راپورت بدهید که اینقدر اسباب معطلی نشود آقای حاج شیخ اسداله در خصوص کمیسیون انتخابات اظهاری داشتید .

حاج شیخ اسدالله - بله خواستم عرض کنم يك فقره از نظامنامه انتخابات که خیلی اهمیت داشت در کمیسیون رفع آن اشکال نمیشد و عذر اعضاء کمیسیون انتخابات هم در ندادن راپورت همان يك مسئله بود بمجلس آمد و رفع آن محذور شد باید تا یکماه دیگر مشغول انتخابات دوره ثانی بشوند از يك صورتیکه هنوز نظامنامه انتخابات بمجلس نیامده است و بنده یکروز دیگر هم عرض کردم که میترسم این نظامنامه انتخابات برای این دوره تمام نشود و این اثر بدی دارد باینجهت بنده استدعا میکنم که زودتر راپورت بدهند و این را بمجلس بیاورند و آن روز میگفتند که يك جلسه بیشتر باقی نیست و حالا شنیده میشود که تازه آقای متین السلطنه استعفاء کرده و باید عوض ایشان انتخاب شود استدعا میکنم که هرچه زودتر این را بمجلس بیاورند .

معزز الملک - اولاً میخواستم عرض کنم اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که آقای متین السلطنه استعفاء داده اند استعفاء کردن ایشان مربوط بکار کردن یا کار نکردن کمیسیون نیست کمیسیون انتخابات بعد از آنکه آنماده راجع بيك درجه و دو درجه از مجلس گذشت چندین جلسه منعقد شد و فردا يك جلسه دیگر صبح منعقد خواهد شد و تصور میکنم که آخرین جلسه کمیسیون انتخابات باشد و راپورت بمجلس میدهد .

رئیس - پس در اینصورت خوبست اعضاء شعبه دوم زودتر عرض آقای متین السلطنه را بکنند

معزز الملک - بله اگر امروز انتخاب نمایند که برای جلسه فردا حاضر باشد بهتر است

رئیس - دستور جلسه آتی - راپورت کمیسیون بودجه راجع باحداث دفتر خانه گمرکی و ورد جلسه راپورت کمیسیون معارف در باب تأسیس مدرسه ابتدائی - راپورت کمیسیون معارف در باب اصلاحات دارالفنون - راپورت کمیسیون بودجه راجع بعلامحسین و محسن خان مجاهد آقای افتخار الواعظین در باب دستور اظهاری دارید

افتخار الواعظین - بله میخواستم عرض کنم که آقا میرزا رضاخان نائینی که عضو کمیسیون پست و تلگراف و فوائد عامه بود از عضویت کمیسیون بواسطه سمت منشی گری استعفاء داده اند .

رئیس - این راجع بدستور نیست .

افتخار الواعظین - اجازه بفرمائید عرض کنم راجع بدستور است مقصودم اینست که انتخاب یک نفر عضو برای کمیسیون فوائد عامه در دستور جلسه آتی گذارده شود .

رئیس - انتخاب در مجلس نمیشود تا اینکه در دستور گذاشته شود این اظهار شما راجع بدستور نبود .

فرزانه - راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه مرحوم و کیل التجار طبع و توزیع شده است می خواستم تقاضا بکنم که جزء دستور گذاشته شود

رئیس - ممکن است جزء دستور شنبه بگذاریم در دستور مخالفی هست .

مشیر حضور - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون خارجه در باب جلب مستخدم برای وزارت پست و تلگراف جزء دستور روز پنجشنبه گذاشته شود .

رئیس - هنوز راپورت آن داده نشده است يك مرتبه رأی داده شد در ثانی بکمیسیون رفته است باید راپورت آن بیاید آن وقت جزء دستور گذاشته میشود .

میرزا یانسی - بنده میخواستم خواهش کنم چون آقای معزز الملک گفتند خود راپورت کمیسیون انتخابات را خواهند داد اگر ممکن است طبع و توزیع شود و برای روز پنجشنبه جزء دستور گذاشته شود .

رئیس - تصور میکنم نرسد اگر برسد برای دستور شنبه میگذاریم با این ترتیب کسی مخالف هست (اظهاری نشد) در این موقع که نیمساعت قبل از ظهر است رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد .

جلسه ۲۷۵

صورت مشروح جلسه فوق العاده

روز چهارشنبه ۲۲ شهر رجب ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤتمن الملک پنجساعت و پنجده دقیقه بعد از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده و پنج ساعت پنجاه و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه رسماً منعقد گردید . آقامیرزا ابراهیم خان صورت مجلس روز سه شنبه ۲۱ را قرائت کردند و در ضمن صورت مجلس اسامی غائبین بقرار ذیل قرائت شد - غائبین بدون اجازه آقای حاج امام جمعه . آقای ناصر الاسلام آقای دکتر اسمعیل خان - آقای دکتر امیرخان غائبین با اجازه - آقای حاج آقا - آقای لواء الدوله - آقای دکتر حاج رضا خان - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی نیم ساعت از وقت مقرر تأخیر نموده است .

رئیس الوزراء سپهبد اعظم - اگر چه معرفی هیئت وزراء از بس که مکرر شده بنده از (تربین) محل نطق خجالت میکشم و لکن وزرای حالیه هر يك برای این شغل خطیر لایق و قابل و با علم هستند و امیدواریم که انشاء الله نظر بلیاقتی